

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



ایران و قدرت‌های بزرگ

مقدمه

با توجه به محیط امنیتی پیرامونی ایران، شرایط امنیتی ما و منطقه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، بیش از آنکه توسط خود ما و کشورهای منطقه رقم بخورد، عملاً توسط قدرت‌های بزرگ صحنه گردانی می‌شود. پس لازم است در اینجا به مسئله روابط قدرت‌های بزرگ و ایران پرداخته شود، اما منظور از قدرت‌های بزرگ چیست؟ به عبارتی دیگر، کدام قدرت‌ها، بزرگ هستند؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید دید که نحوه توزیع توان‌مندی‌ها و به تبع آن نحوه قطب‌بندی^۱ در نظام بین‌الملل چگونه است. در حال حاضر شواهد دلالت بر سلسله‌مراتبی بودن نحوه توزیع توان‌مندی‌ها در نظام بین‌الملل دارند، که با این وجود به نظر می‌رسد هنوز هم مفهوم تک-چندقطبی^۲ هانتینگتون به خوبی می‌تواند بحث نحوه قطب‌بندی را در این عرصه تبیین نماید. نظام تک-چندقطبی نظامی است متشکل از یک ابرقدرت و چند قدرت بزرگ. ابرقدرت همان آمریکاست که در مورد مسائل کلیدی بین‌المللی توانایی تعیین‌کنندگی دارد. قدرت‌های بزرگ نیز آنهایی هستند که توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی را دارند. این دو تیپ قدرت در نظم کنونی هم نمایش‌نامه‌ها را به صحنه می‌آورند و هم هر کدام به میزان قدرتی که دارند در صحنه گردانی آنها نقش ایفا می‌کنند. به هر حال، در این قسمت به رابطه ایران و قدرت‌های بزرگ که شامل اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، بریتانیا، روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی می‌شوند، پرداخته می‌شود. البته، عمدتاً سه مورد آخر یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی را در دسته قدرت‌های نوظهور قرار می‌دهند.

1. polarity

2. uni-multipolar system

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا که از زمان شروع مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران تا کنون رویکرد نسبتاً یکپارچه و صدای تقریباً واحدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران داشته است، در سال ۱۳۹۲ نیز به همان سیاست جمعی و یکپارچه خود در برابر تهران ادامه داد. در جریان مذاکرات هسته‌ای، همچنان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ کننده و به نوعی صدای ۵+۱ ایفای نقش نمود. تروئیکای اتحادیه اروپا (بریتانیا، فرانسه و آلمان) که در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار داده می‌شوند نیز در این مذاکرات حضور داشتند. جز فرانسه که در مذاکرات هسته‌ای ژنو ۲ مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات شد، اینگونه به نظر می‌رسید که دیگر نمایندگان اروپایی حاضر در مذاکرات نقش مثبتی را در راستای حل و فصل موضوع هسته‌ای اختیار کرده‌اند. البته، فرانسه نیز در مذاکرات ژنو ۳ از موضع تخریب‌گری کوتاه آمد و به جو مثبتی که برای حصول به یک توافق شکل گرفته بود، پیوست. بعد از رسیدن طرفین به توافق کوتاه‌مدت در ژنو ۳، رفت و آمدهای دیپلماتیک میان تهران و پایتخت‌های اروپایی پس از حدود یک دهه رکود در روابط، شدت گرفت، به طوری که می‌توان گفت در حال حاضر – که تنها شش ماه از عمر دولت یازدهم می‌گذرد – تقریباً همه کشورهای اروپایی حداقل یک بار تجربه مذاکره و گفت‌وگو با دولت جدید ایران را دارند. به هر حال، روابط ایران و اتحادیه اروپا هم‌اکنون در مسیر مناسبی قرار گرفته و در صورت ادامه روند کنونی، انتظار می‌رود در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ مناسبات میان تهران و پایتخت‌های اروپایی به وضعیت قبل از سال ۱۳۸۴ برگردد. البته این مسئله، بستگی به سرانجام مناقشه هسته‌ای به عنوان بازی پیچیده میان تهران – واشینگتن دارد، که با توجه به وضعیت موجود باید به پایان این «بحران غیرضروری» در سال ۱۳۹۳ امیدوار بود. با توجه به دعوت وزیر امور خارجه ایران از خانم اشتون برای سفر به تهران، احتمالاً مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ماه‌های آینده به ایران سفر خواهد کرد. در صورت انجام این سفر، این اولین حضور وی در تهران از زمان انتخاب در سمت فعلی خود خواهد بود. همچنین، بعد از سفر شش‌روزه هیئت پارلمانی اروپا به ایران در آذرماه، سفر اشتون می‌تواند دومین حضور هیئت‌های منتسب به اتحادیه اروپا در تهران از زمان روی کار آمدن دولت دکتر روحانی باشد. همه کشورهای اروپایی عمدتاً نگاه اقتصادی به ایران و منطقه‌ای که این کشور در آن واقع شده است، دارند. آنها برای این منافع اقتصادی ارزش زیادی قائل هستند و به همین خاطر تلاش می‌کنند با هر گونه خطری که این منافع را تهدید می‌کند، مقابله نمایند. نحوه برخورد اتحادیه اروپا با برنامه هسته‌ای ایران نیز خارج از این چارچوب نیست. اروپایی‌ها واقعاً از اینکه خاورمیانه به عنوان انبار انرژی جهان درگیر رقابت تسلیحاتی هسته‌ای شود و یا اینکه قدرت هژمون در این منطقه ظهور کند، هراس دارند.

روابط ایران و اتحادیه اروپا هم‌اکنون در مسیر مناسبی قرار گرفته و در صورت ادامه روند کنونی، انتظار می‌رود در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ مناسبات میان تهران و پایتخت‌های اروپایی به وضعیت قبل از سال ۱۳۸۴ برگردد

تلاش‌هایی که آنها از زمان شکل‌گیری مناقشه هسته‌ای ایران تا کنون برای حل و فصل آن از مسیر دیپلماسی صورت داده‌اند نیز در همین چارچوب قابل درک است.

فرانسه

روابط فرانسه با جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ عمده‌تاً پیرامون مناقشه هسته‌ای و نقشی که فرانسوی‌ها در جلوگیری از به نتیجه رسیدن مذاکرات میان ایران و ۵+۱ در جریان مذاکرات هسته‌ای ژنو ۲ ایفا نمودند، قابل بررسی است. در جریان مذاکرات ژنو ۲ و در مراحل پایانی نشست که طرفین در حال رسیدن به توافق مشترک بودند، لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه روند مذاکرات را احمقانه توصیف کرد و با طرح ادعاها و خواسته‌های جدید، مذاکرات را به بن‌بست کشاند. دلایل زیادی برای این اقدام فرانسوی‌ها مطرح شده است، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- درخواست اسرائیلی‌ها از فرانسه برای جلوگیری از به نتیجه رسیدن مذاکرات؛ ۲- تلاش فرانسه برای افزایش نفوذ خود در میان اسرائیلی‌ها و اعراب مخصوصاً سعودی‌ها به دلایل ژئوپلیتیکی و منفعت‌های اقتصادی و تجاری؛ ۳- انتقام‌گیری از آمریکایی‌ها به خاطر عقب‌نشینی از موضع خود در مورد حمله به سوریه و نادیده گرفتن فرانسه در توافقی که میان مسکو-واشینگتن در مورد امحای سلاح‌های شیمیایی سوریه صورت گرفته بود؛ ۴- بازی کردن نقش پلیس بد در مذاکرات به منظور امتیازگیری بیشتر از ایرانی‌ها. کسانی که این گزینه را مطرح می‌کنند بر این باورند که در مذاکرات ژنو ۲ تقسیم کاری میان آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها صورت گرفته بود مبنی بر اینکه واشینگتن نقش پلیس خوب و پاریس نقش پلیس بد را ایفا کند تا از این طریق فشار بیشتری بر تهران جهت دادن امتیازهای بیشتر وارد نمایند؛ ۵- بعضی‌ها معتقدند فرانسوی‌ها چون قبل از انقلاب در برنامه هسته‌ای ایران فعال بوده‌اند، اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت‌های هسته‌ای این کشور دارند و چیزهایی در این مورد می‌دانند که دیگران نمی‌دانند و به همین دلیل بیشتر احساس خطر می‌کنند؛ ۶- عده‌ای نیز بحث پیوستگی در سیاست خارجی فرانسه در مورد برنامه هسته‌ای ایران را مطرح می‌کنند و بر این باورند که کارشکنی دولت سوسیالیست اولاند در ژنو ۲ را باید ادامه همان سیاست‌های دولت دست راستی سارکوزی در قبال این موضوع دانست؛ ۷- بالاخره، برخی هم با توجه به اینکه گفته می‌شود قبل از مذاکرات ژنو مذاکراتی محرمانه میان واشینگتن-تهران صورت گرفته و دستور کار نشست‌های ژنو در این مذاکرات محرمانه تعیین شده بود، این مسئله را مطرح می‌کنند که شاید فرانسوی‌ها در مذاکرات ژنو خود را در برابر عمل انجام شده تصور کردند و به همین دلیل، با مخالفت خود در ژنو ۲، به این موضوع واکنش نشان دادند. در میان همه این موارد به نظر می‌رسد بحث لابی‌های

فرانسوی‌ها سعی دارند ضمن همراهی با منافع و تکرانی‌های امنیتی ریاض در منطقه، سهم شرکت‌های تسلیحاتی خود را در بازار تسلیحاتی ثروتمندترین کشور منطقه - یعنی عربستان - بالا ببرند

چهار عامل بر سیاست‌های انگلیس در قبال ایران تأثیر می‌گذارند که عبارتند از نوع رابطه لندن با واشینگتن، تصمیمات اتحادیه اروپا، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و بالاخره، خواست‌ها و منافع مستقل خود انگلیسی‌ها

منطقه‌ای (لایه‌های اعراب و اسرائیل) و موضوع پیوستگی در سیاست خارجی فرانسه، نقش اصلی را در این اقدام پاریس ایفا نموده‌اند و عوامل دیگر نیز احتمالاً تأثیرگذار بوده‌اند. عربستان سعودی در طول یک دهه گذشته با خرید ۷۰ میلیارد دلار جنگ‌افزار، همواره یکی از برترین‌ها در زمینه واردات نظامی بوده است. ایالات متحده آمریکا سهم عمده‌ای در تأمین و تجهیز زرادخانه تسلیحاتی سعودی‌ها داشته است. بعد از شروع مذاکرات جدی هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ و کاهش فشارها و تهدیدهای آمریکا علیه ایران و همچنین، عدم مداخله نظامی واشینگتن در سوریه، به نظر می‌رسد شکاف محسوسی میان آمریکایی‌ها و سعودی‌ها پدیدار شده است. فرانسوی‌ها سعی دارند ضمن همراهی با منافع و نگرانی‌های امنیتی ریاض در منطقه، این شکاف را پُر کرده و سهم شرکت‌های تسلیحاتی خود را در بازار تسلیحاتی ثروتمندترین کشور منطقه - یعنی عربستان - بالا ببرند. اشاره شد که بحث پیوستگی سیاست خارجی فرانسه نیز عامل اساسی دیگری در تصمیم فرانسوی‌ها در مذاکرات هسته‌ای ژنو ۲ مبنی بر ایجاد اختلال در مسیر رسیدن به توافق میان ایران و ۵+۱ بوده است. در واقع، منظور این است که سیاست‌های فرانسه در برابر ایران در طول یک دهه گذشته، چه در دولت دست راستی سارکوزی و چه در دولت کنونی که نماینده حزب سوسیالیست فرانسه به شمار می‌رود، روند نسبتاً ثابتی را طی نموده است. سارکوزی در طول دوران ریاست جمهوری، مواضع سختی را علیه ایران اتخاذ می‌کرد. برای مثال، وی در تاریخ ۳۰ آگوست ۲۰۱۱ در نشست سالانه با سفرای فرانسه، از احتمال حمله پیشگیرانه به تأسیسات هسته‌ای ایران سخن گفت. همچنین، در نامه‌ای به تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ به رئیس جمهور آمریکا و سران چند کشور دیگر (آلمان، بریتانیا، کانادا، ژاپن و اعضای دیگر اتحادیه اروپا)، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی برای صلح خواند و خواستار تحریم‌های شدیدتر علیه تهران شد. با این وجود، به نظر می‌رسد بعد از توافق ۶ ماهه ژنو و به خصوص پس از آنکه طرفین این توافق در مورد نحوه اجرای آن به جمع‌بندی مشترکی رسیدند، در نوع برخورد پاریس با تهران تغییراتی در حال رخ دادن است. مسئله سفر تجار و بازرگانان فرانسوی به تهران و افزایش تمایل آنها به حضور در بازار ایران که باعث نگرانی‌های واشینگتن نیز شده است، در همین راستا قابل ارزیابی است. در نه ماهه اول امسال، ارزش صادرات ایران به فرانسه ۲۰.۹۱۱.۶۸۶ دلار و ارزش واردات کشورمان از این کشور برابر با ۳۹۰.۶۷۸.۲۷۲ دلار بوده است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۳ روابط تهران- پاریس بهبود پیدا کند. میزان این بهبودی در درجه اول به سرانجام مذاکرات هسته‌ای بستگی دارد. اگر طرفین این مذاکرات به توافق نهایی برسند، شاهد حضور گسترده نه تنها فرانسوی‌ها، بلکه همه کشورهای اروپایی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشورمان خواهیم بود.

آلمان

تا قبل از روی کار آمدن دولت یازدهم، روابط برلین-تهران همانند دو سال گذشته در حالت رکود بود. بعد از تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر روحانی، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در پیامی، انتخاب ایشان به ریاست جمهوری ایران را تبریک گفت و اظهار امیدواری نمود در دوران مسئولیت او فرصت مناسبی برای تعمیق روابط میان دو ملت ایران و آلمان فراهم شود. در سال ۱۳۹۲، آلمان‌ها همچنان در کنار پنج عضو دائم شورای امنیت و در قالب ۵+۱ در مذاکرات مربوط به مناقشه هسته‌ای ایران حضور داشتند. برلین هرچند به تنهایی وزن سیاسی چندانی در جریان بحران‌ها و مناقشات مهم بین‌المللی به طور عام و مناقشه هسته‌ای ایران به طور خاص ندارد و همانند دیگر قدرت‌های اروپایی، پیرو آمریکا و یا هماهنگ با سیاست‌های این کشور حرکت می‌کند، اما خود آلمان‌ها ادعا می‌کنند در جریان مذاکرات هسته‌ای تلاش زیادی برای هماهنگ کردن دیدگاه‌ها جهت رسیدن به توافق انجام داده‌اند. به هر حال، اظهار نظرهای وستروله وزیر خارجه سابق آلمان در جریان مذاکرات ژنو، مثبت بود و حکایت از آن داشت که برلین طرفدار حل و فصل مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران است. حضور شوکنهوف نایب رئیس فراکسیون احزاب دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی پارلمان آلمان - که به عنوان صدای واقعی صدراعظم آلمان «آنگلا مرکل» در تعیین جهت گیری‌های این کشور در مورد شرق به ویژه در منطقه خاورمیانه و همسایگی روسیه شناخته می‌شود- در تهران در دی‌ماه ۱۳۹۲ و ملاقات با مقاماتی از وزارت خارجه، خرید ۲۵۰۰ تن گندم از آلمان توسط ایران، جریمه بورس آلمان به خاطر نقض تحریم‌ها علیه ایران و دیدارهای دکتر ظریف با وزیر خارجه و همچنین رئیس کمیسیون سیاست خارجی آلمان در حاشیه نشست امنیتی مونیخ، از جمله دیگر موارد مربوط به روابط ایران و آلمان در سال ۱۳۹۲ به شمار می‌روند. در نه ماهه اول امسال، ارزش کل صادرات ایران به آلمان برابر با ۲۱۵ میلیون و ۶۴۸ هزار و ۵۴۴ دلار بوده است. در همین بازه زمانی، ارزش کل واردات کشورمان از آلمان معادل ۱/۶۹۹ میلیارد دلار بوده است. هرچند سیاست‌های آلمان در رابطه با جمهوری اسلامی ایران عمدتاً متأثر از چندین عامل، از جمله منافع مستقل خود آلمانی‌ها، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، تصمیمات اتحادیه اروپا و نوع رابطه میان برلین-واشینگتن پیکربندی و اتخاذ می‌شوند و به همین دلیل نمی‌توان قاطعانه در مورد آینده آن سخن گفت، اما انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۳ در نتیجه توافق هسته‌ای ژنو- که هم‌اکنون در مسیر اجرایی قرار گرفته است- و همچنین، گشایشی که با روی کار آمدن دولت جدید در سیاست خارجی ایران حاصل شده، روابط برلین-تهران تقویت شود و مخصوصاً مناسبات اقتصادی میان آنها به وضعیت مناسب‌تری ارتقا یابد.

از سرگیری روابط
میان لندن-تهران
را می‌توان مهمترین
موضوع در روابط
بریتانیا و جمهوری
اسلامی ایران در سال
۱۳۹۲ به حساب آورد

بریتانیا

حداقل چهار عامل بر سیاست‌های انگلیس در قبال ایران تأثیر می‌گذارند که عبارتند از نوع رابطه لندن با واشینگتن، تصمیمات اتحادیه اروپا، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و بالاخره، خواست‌ها و منافع مستقل خود انگلیسی‌ها. چون در اینجا هدف بررسی نوع رابطه انگلیس به عنوان قدرت بزرگ با جمهوری اسلامی ایران است، تلاش می‌شود در چارچوب مورد سوم و چهارم یعنی سیاست‌ها و رفتارهای مستقل خود انگلیسی‌ها و نوع رفتار تهران به این مسئله پرداخته شود. البته، جداکردن چهار عامل یا متغیر مذکور و بررسی مستقلاً هر کدام از آنها کار بسیار دشواری است و ممکن است در برخی موارد همه آنها در تعیین یک تصمیم یا رفتار نقش ایفا نمایند. به هر حال، بحث از سرگیری روابط میان لندن-تهران را می‌توان مهمترین موضوع در روابط بریتانیا و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ به حساب آورد؛ رابطه‌ای که بعد از حمله عده‌ای به سفارت انگلیس در تهران در آذر ۱۳۹۰ قطع شده بود. در راستای از سرگیری روابط میان لندن-تهران، تا کنون گام‌هایی برداشته شده است. مقامات انگلیسی که تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران، تقریباً هر هفته در بیانیه‌ها و اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی خود، در ارتباط با موضوع هسته‌ای، حقوق بشر و مواضع کشورمان در قبال تحولات خاورمیانه و به ویژه سوریه به انتقاد از سیاست‌های تهران می‌پرداختند، پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲ تا حدود بسیار زیادی لحن خود را در مورد ایران تغییر دادند. ابتدا ویلیام هیگ در اوایل مرداد در تماس با صالحی وزیر خارجه وقت ایران، تمایل خود را برای دیدار با وزیر خارجه ایران در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد. بعد از آن، دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس نیز با فرستادن پیام تبریکی به رئیس‌جمهور جدید ایران، خواستار حل و فصل تدریجی اختلافات موجود در روابط دو کشور شد و اظهار امیدواری نمود با انتخاب وی، روابط تهران-لندن ارتقا یابد. در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی و در اوایل مهرماه، ملاقاتی میان وزرای خارجه بریتانیا و جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت که در جریان آن، طرفین ضمن تأکید بر ضرورت شروع روند عادی‌سازی مرحله‌ای روابط دوجانبه، معاوین خود را مأمور مذاکره در مورد این مسئله کردند. در نهایت نیز به دنبال رایزنی‌ها میان مقامات وزارت خارجه دو کشور، تصمیم مربوط به انتخاب سفرای غیرمقیم اتخاذ شد. دیوید کامرون در اواخر دی‌ماه و حدود یک هفته قبل از برگزاری مذاکرات هسته‌ای ژنو ۳ با دکتر روحانی تماس تلفنی گرفت. در بیانیه‌ای که دفتر کامرون بعد از این تماس صادر نمود، آمده است که طرفین در مورد روابط دوجانبه، مسئله هسته‌ای و بحران سوریه بحث و گفت‌وگو کرده‌اند. در واقع، این اولین تماس تلفنی یک نخست‌وزیر انگلیسی با رئیس‌جمهور ایران بعد از تماس تلفنی تونی بلر با سید محمد

جک استراود در جریان سفر به ایران و همچنین پس از بازگشت به کشورش، به انتقاد از سیاست‌های مبتنی بر تحریم و فشار علیه ایران پرداخت و بر نقش کلیدی تهران در تحولات منطقه - مخصوصاً بحران سوریه - تأکید نمود

خاتمی در دی‌ماه ۱۳۸۰ محسوب می‌شود. همچنین، در دی‌ماه یک هیئت پارلمانی از انگلستان به سرپرستی جک استراو وزیر خارجه سابق این کشور به تهران آمد؛ سفری که بدون شک بااهمیت‌ترین سفر یک هیئت انگلیسی به تهران در طول پنج سال گذشته بوده است. جک استراو در جریان سفر به ایران و همچنین پس از بازگشت به کشورش، به انتقاد از سیاست‌های مبتنی بر تحریم و فشار علیه ایران پرداخت و بر نقش کلیدی تهران در تحولات منطقه - مخصوصاً بحران سوریه - تأکید نمود. وی در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی، سیاست‌ها و رفتارهای بریتانیا، آمریکا و دیگر دول غربی در قبال ایران - هم پیش و هم پس از انقلاب - را خیلی بد دانست. استراو که اعلام کرده پس از سفر به ایران بیش از هر زمان دیگری متقاعد شده که روحانی یک شریک قابل اعتماد برای مذاکره است، در تازه‌ترین مصاحبه خود - با فایننشال تایمز - از دولت کشورش خواسته عادی‌سازی روابط با تهران را در اولویت دستور کار خود قرار دهد. هیئت پارلمانی بریتانیا در سفر به تهران از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای سفر به لندن دعوت به عمل آورده‌اند که گفته می‌شود این موضوع با پذیرش طرف ایرانی مواجه شده و احتمالاً در ماه‌های آینده هیئتی از مجلس شورای اسلامی به انگلیس سفر خواهد کرد. در نه ماهه اول امسال، صادرات ایران به انگلستان برابر با ۷۰۸۰۰۰۱۳ دلار و واردات کشورمان از این کشور معادل ۵۹۱۰۰۳۰۷۱۶ دلار بوده است. به هر حال، با توجه به روند کنونی مناسبات میان انگلیس و ایران، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۳ روابط دو کشور هر چه بیشتر بهبود یابد و سفارتخانه‌ها بازگشایی شوند، که این مطمئناً به نفع هر دو طرف خواهد بود.

روسیه

روابط ایران و روسیه در سال ۱۳۹۲ حول چهار محور بحث هسته‌ای، نزاع سوریه، روابط اقتصادی و ارتباطات نظامی قابل بررسی است، که در این میان، نزاع سوریه بیشترین و مهم‌ترین نقش را در روابط دو کشور ایفا نموده است. به همین دلیل، در ابتدا به این مورد می‌پردازیم. هرچند قبل از شروع تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱، روسیه و ایران بر سر نفوذ در سوریه به نوعی با هم رقابت داشتند، اما بعد از ورود موج تظاهرات و سپس خشونت‌ها به دمشق و در خطر قرار گرفتن نظام حاکم بر سوریه، دو کشور هرچه بیشتر به همدیگر نزدیک شدند و به دفاع از حکومت بشار اسد پرداختند. برای جمهوری اسلامی ایران از بین رفتن ساختار حکومت اسد یک خطر ژئوپلیتیکی به شمار می‌رود، چون این نه تنها به معنای از بین رفتن یکی از نزدیک‌ترین متحدین تهران در منطقه است، بلکه محور مقاومت را آنگونه که رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران می‌خواهند، با خطر فروپاشی مواجه می‌کند. چنین اتفاقی تهران را در تنگنای استراتژیک قرار می‌دهد. برای روسیه نیز هرچند فروپاشی

در بازی سوریه
جمهوری اسلامی ایران
باید مواظب حرکات
روسیه باشد، چون
مبنای سیاست خارجی
پراگماتیستی این کشور
بر پویایی و نه ثبات
منافع استوار است

حکومت اسد خطر فوری تلقی نمی‌شود، اما به دلایل زیادی می‌توان آن را زنگ خطری برای این کشور به شمار آورد. در واقع، در صورت سقوط کامل ساختار حکومت کنونی سوریه، مسکو یکی از دوستان دیرینه خود در منطقه حساس خاورمیانه را از دست می‌دهد؛ منطقه‌ای که به دلایل مختلف استراتژیکی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی و فرهنگی حداقل طی دو دهه گذشته کانون رقابت و منازعه در نظام بین‌الملل بوده و بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی از تشدید این وضعیت در آینده می‌باشد. روسیه تأمین‌کننده قسمت عظیمی از جنگ‌افزارها و امکانات نظامی سوریه است. علاوه بر این، تنها پایگاه ناوگان دریایی مسکو در دریای مدیترانه در بندر طرطوس سوریه قرار دارد. در صورت فروپاشی ساختار حکومت اسد، روس‌ها این امتیازها را از دست خواهند داد. نگاه جنگ سردی مقامات کنونی روسیه به آنچه در سوریه می‌گذرد، نگرانی روس‌ها از شیوع بی‌اعتمادی نسبت به مسکو در میان دیگر دوستان و متحدین روسیه، ترس کرملین از تداوم دومینوی برافتادن متحدین خود، مسئله تشدید رادیکالیسم در منطقه و سرایت آن به مناطق مسلمان‌نشین روسیه، درگیر شدن بیشتر آمریکا در خاورمیانه و در نتیجه، کاهش تمرکز سیاست خارجی و امنیتی این کشور بر روسیه و «خارج نزدیک» مسکو، از دیگر مواردی هستند که بر پافشاری روس‌ها بر حمایت از حکومت سوریه تأثیر می‌گذارند. به هر حال، در بازی سوریه جمهوری اسلامی ایران باید مواظب حرکات روسیه باشد، چون مبنای سیاست خارجی پراگماتیستی این کشور بر پویایی و نه ثبات منافع استوار است. این به معنای آن است که روس‌ها ممکن است در سیاست‌های کنونی خود در مورد دمشق تجدید نظر کنند. پذیرش ژنوا ۱ از سوی آنها و حضور در ژنوا ۲، این احتمال را تقویت می‌کند. سابقه پشت کردن مسکو به قذافی و میلوشویچ نیز می‌تواند تأییدی بر این مسئله باشد. در بحران سوریه، هرچند مقامات مسکو در بسیاری از موارد اعلام کرده‌اند از نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در این بحران حمایت می‌کنند و منکر جایگاه تهران در حل و فصل آن نیستند، اما مواردی وجود دارد که باعث تردید نسبت به سیاست‌های اعمالی آنها در این راستا می‌شود. بعد از جریان پس‌گرفته شدن دعوت از حضور ایران در ژنوا ۲، سرگی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که پس گرفتن دعوت از ایران «اشتباه بود اما فاجعه نبود». این نشان می‌دهد روس‌ها چندان هم از حضور و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه راضی نیستند. به هر حال، نباید فراموش کرد که اتحاد کنونی میان تهران-مسکو در حمایت از حکومت سوریه موقعیتی است^۱ و به همین دلیل باید انتظار رفتارهای عمل‌گرایانه در سیاست خارجی مسکو را داشت و از برخی اقدامات روس‌ها تعجب نکرد.

در مناقشه هسته‌ای نیز در سال ۱۳۹۲، مسکو همچنان به سیاست عمل‌گرایانه سابق خویش در این مورد پایبند بوده و به‌رغم سیاست‌های اعلامی، همان مسیر گذشته را ادامه داده است. به نظر می‌رسید که در جریان مذاکرات هسته‌ای امسال - که در نهایت به توافق ژنو انجامید-، روس‌ها نقش چندانی نداشته‌اند. این مسئله می‌تواند دو دلیل داشته باشد: ۱- شاید آنها تا حدودی غافل‌گیر شده بودند؛ یعنی این احتمال وجود دارد که مذاکرات دوجانبه و پنهان میان تهران- واشینگتن، قبل از مذاکرات ژنو، مسکو را در مقابل عمل انجام‌شده قرار داده باشد؛ ۲- روند مذاکرات و همچنین فرآیندی که هم‌اکنون مسئله هسته‌ای در چارچوب آن قرار گرفته است، به نظر نمی‌رسد حداقل در کوتاه‌مدت منافاتی با منافع روس‌ها داشته باشد. به هر حال، به‌رغم اظهارات دیپلماتیک مقامات روس در مورد حمایت از ایران در جریان مذاکرات، منافع روسیه و همچنین منطق حاکم بر شرایط مذاکرات حکم می‌کرد که مسکو در عمل خنثی باشد و در واقع به نظر می‌رسد در حال حاضر، «منفعل بودن در عمل» بهترین گزینه ممکن برای روس‌ها جهت برآوردن منافع ملی‌شان در مناقشه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود.

در مورد مناسبات اقتصادی نیز تحرکاتی به خصوص بعد از توافق ژنو در روابط دو کشور آغاز شده که بحث قرارداد نفت در برابر کالا^۱ مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. اگر این قرارداد به نتیجه برسد و اجرایی شود، ایران روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت به روسیه صادر می‌کند و در مقابل، سالیانه معادل ۱۸ میلیارد دلار کالا از این کشور وارد خواهد کرد. به نقل از برخی منابع، بحث نفت در برابر کالا برای اولین بار در جریان دیدار دکتر روحانی و پوتین در حاشیه نشست شانگهای در سپتامبر ۲۰۱۳ مطرح شده بود. در نه ماهه اول سال ۱۳۹۲، میزان صادرات غیرنفتی ایران به روسیه برابر با ۲۴۰ میلیون و ۱۵۱ هزار و ۶۲۵ دلار و ارزش کل واردات کشورمان از این کشور معادل ۵۴۲ میلیون و ۴۰۳ هزار و ۵۷۸ دلار بوده است. برخی از شرکت‌های نفت و گاز روسی که در اثر تحریم‌های غرب، ایران را ترک کرده بودند، در ماه‌های اخیر به صورت محتاطانه آمادگی خود را برای بازگشت به پروژه‌های نفت و گاز ایران اعلام کرده‌اند. در زمینه نظامی، به‌رغم تداوم موضوع عدم تحویل سامانه‌های دفاعی روسی S-300 به ایران، در سال ۱۳۹۲ شاهد بهبود روابط نظامی میان مسکو- تهران بوده‌ایم. در تیرماه امسال، امیر دریادار حبیب‌الله سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش ایران به مسکو سفر کرد و با مقامات روس در مورد همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای به ویژه در مورد آبراه‌های مشترک و بین‌المللی گفت‌وگو کرد. در اواخر مهرماه نیز یک هیئت نظامی روسی به سرپرستی فرمانده نیروی هوایی این کشور، ژنرال بونداریوف، به تهران آمد و با

1. oil for goods

مقامات نظامی ایران از جمله امیر دریادار فرزاد اسماعیلی فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا دیدار و گفت‌وگو کردند. همچنین، با انتخاب سردار دهقان به وزارت دفاع ایران در دولت یازدهم، همتای روسی‌اش، سرگی شویگو، پیام تبریک فرستاد و خواستار توسعه هر چه بیشتر روابط دوستانه میان نیروهای مسلح دو کشور شد. در مورد سامانه‌های دفاعی S-300 نیز روس‌ها پیشنهاداتی مبنی بر فروش سامانه‌های جایگزین به تهران مطرح کرده‌اند، که در تازه‌ترین مورد، دکتر ظریف وزیر امور خارجه، تمایل مسکو به فروش سامانه‌های آنتی ۲۵۰۰ به جای اس ۳۰۰ به ایران را رد کرده و گفته است این سامانه مورد نیاز ایران نیست. با توجه به شکایت ایرانی‌ها از روس‌ها در این مورد و تهدیدات مقامات مسکو به تجدید نظر در روابط با تهران در صورت پس‌نگرفتن شکایت خود، به نظر می‌رسد این مسئله پتانسیل تبدیل شدن به مشکل در روابط دو کشور را دارد.

چین

در سال ۱۳۹۲، اتفاق خاص یا غیرمنتظره‌ای در روابط پکن با تهران رخ نداد. چینی‌ها نیز همانند روس‌ها همچنان به سیاست عمل‌گرایانه خود در رابطه با ایران ادامه دادند. مسائل اقتصادی و تجاری، مناقشه هسته‌ای و بحران سوریه، سه موضوع اصلی روابط چین و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ به حساب می‌آیند. در این میان به نظر می‌رسد مسائل اقتصادی و تجاری نقش اساسی‌تری در روابط این دو کشور ایفا نموده‌اند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهند در چند سال اخیر و مخصوصاً پس از وضع تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا علیه ایران، چینی‌ها به بزرگترین شریک تجاری ایران تبدیل شده‌اند. البته، طبق آمارهای موجود، در دو سال اخیر روند همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان پکن و تهران نه تنها رو به جلو نبوده، بلکه به نوعی عقب‌گرد نیز داشته است. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران برابر با ۳ میلیارد دلار بود که این میزان در سال ۲۰۱۲ به ۴۰۰ میلیون دلار تنزل پیدا کرد (۸۷ درصد کاهش). همچنین، تجارت دوجانبه پکن - تهران از ۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ (۱۸ درصد کاهش) و ۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳، کاهش پیدا کرده است. علاوه بر این، چین به عنوان بزرگترین خریدار نفت ایران، در سال ۲۰۱۳، روزانه ۴۲۸ هزار و ۸۴۰ بشکه نفت از ایران وارد کرده که نسبت به سال قبل ۲۰۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد. البته، گفته می‌شود در ماه سپتامبر ۲۰۱۳ این میزان به ۴۷۵ هزار و ۵۲۱ بشکه افزایش یافته است. با این وجود، در سال ۱۳۹۲، صادرات غیرنفتی ایران به چین نسبت به سال‌های قبل رشد داشته است. در سال ۱۳۹۰، ارزش صادرات غیرنفتی ایران به چین

برابر با ۵ میلیارد و ۶۵۲ میلیون دلار و طبق آمارها در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۱ این میزان معادل ۳ میلیارد و ۸۶۳ بوده است. بر اساس دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات گمرک ایران، در ده ماهه اول سال ۱۳۹۲، ارزش صادرات غیرنفتی ایران به چین برابر با ۵ میلیارد و ۹۰۵ میلیون دلار بوده است. در بحث هسته‌ای نیز چینی‌ها به سیاست پراگماتیستی خود مبنی بر اتخاذ موضعی میانه بین انتظارات تهران و خواسته‌های واشینگتن ادامه دادند. در واقع، امسال نیز پکن در سیاست‌های اعلامی خود دائماً از ایران دفاع می‌کرد، اما در سیاست‌های اعمالی هم به نگرانی‌های آمریکایی‌ها توجه می‌کرد و هم به انتظارات تهران. در مذاکرات هسته‌ای هم چینی‌ها چندین فعال نبودند و منافع‌شان ایجاب می‌کرد که در عمل تابع توافقات جمع باشند، تا هیچکدام از دو طرف - یعنی تهران و واشینگتن - را از دست ندهند. هرچند در سال ۱۳۹۲ تنش‌هایی میان پکن و همسایگانش - که متحدین آمریکا به شمار می‌روند - در مورد مسائل مرزی رخ داد و همچنین با آزمایش موشک مافوق صوت چینی موجی از نگرانی‌ها و تبلیغات منفی در رابطه با نیت چین در آمریکا ایجاد شد، اما هیچکدام از این موارد نتوانست بر نوع رابطه چین با ایران تأثیر چندانی داشته باشد. در مورد مسئله سوریه نیز همانند دو سال گذشته، ظاهراً چینی‌ها و ایرانی‌ها در سال ۱۳۹۲ مواضع تقریباً مشابهی داشته‌اند، با این تفاوت که به نظر می‌رسد در کنفرانس ژنو ۲ در مورد سوریه، چینی‌ها از موضع حمایت از اسد کوتاه آمده‌اند و راهی میان خواسته‌های دو طرف، یعنی حکومت سوریه و معارضان را اختیار کرده‌اند، که البته نباید موجب تعجب شود، چون هم ذات پراگماتیستی سیاست خارجی چین این مسئله را توجیه می‌کند و هم آینده‌نگری پکن در مورد رابطه با مجموعه بازیگران داخلی و خارجی موجود در بازی سوریه. ملاقات دکتر روحانی و شی جی پینگ رئیس‌جمهور چین در حاشیه نشست سران شانگهای در شهریورماه، سفر رئیس‌مجلس شورای اسلامی به چین و دیدار با رئیس‌جمهور و رئیس‌پارلمان خلق چین در آبان‌ماه، سفر یانگ جیه چی عضو ارشد شورای ریاست جمهوری چین به تهران در آذرماه و ملاقات با برخی از مقامات بلندپایه ایران، دیدارهای دوجانبه و چندجانبه وزرای امور خارجه چین و ایران در جریان مذاکرات هسته‌ای و دیدار هیئت‌های مختلف اقتصادی ایرانی و چینی از دو کشور، از جمله موارد مرتبط با روابط پکن - تهران در سال ۱۳۹۲ محسوب می‌شوند. هرچند گفته می‌شود دولت یازدهم عمدتاً نگاه به غرب دارد، اما این به هیچ وجه به معنای کاهش سطح روابط با شرق و به خصوص چین نخواهد بود و با توجه به وضعیت موجود، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۲، روابط چین و ایران از آنچه هم‌اکنون هست، به خصوص در مسائل اقتصادی و تجاری فراتر برود.

در سال ۲۰۱۱ میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران برابر با ۳ میلیارد دلار بود که این میزان در سال ۲۰۱۲ به ۴۰۰ میلیون دلار تنزل پیدا کرد

هند

هند در عرصه روابط بین‌الملل به عنوان قدرت نوظهور - عمدتاً به لحاظ اقتصادی - شناخته می‌شود. روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی و تجاری است. دهلی نو یکی از چهار خریدار عمده نفت و ۱۰ شریک برتر تجاری کشورمان به شمار می‌رود. با افزایش تحریم‌ها علیه ایران در دو سال اخیر، دهلی نو واردات نفت هند از ایران را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. در سال ۲۰۱۲، هند روزانه ۳۱۵ هزار و ۲۰۰ بشکه نفت از ایران وارد می‌کرد که این میزان در سال ۲۰۱۳ به ۱۹۵ هزار و ۶۰۰ بشکه رسید (حدود ۴۰ درصد کاهش). پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که به شرط عدم اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران از سوی غرب و شورای امنیت، در سال ۲۰۱۴، خرید روزانه نفت ایران از سوی دهلی نو بین ۱۸۰ تا ۱۹۰ هزار بشکه باقی خواهد ماند. در ۱۰ ماه اول سال ۱۳۹۲، میزان صادرات غیرنفتی ایران به هند برابر با ۲ میلیارد و ۱۲۸ میلیون دلار و واردات ایران از این کشور معادل ۳ میلیارد و ۲۹۸ میلیون دلار بوده است. به دنبال تحریم‌های پولی و مالی گسترده غرب و به خصوص آمریکا علیه ایران، در سه سال گذشته، مشکلاتی در روابط تهران و دهلی نو ایجاد شده است - از جمله بحث چگونگی پرداخت بهای پول نفت ایران و مسئله بیمه نفتکش‌های ایرانی - که هنوز هم ادامه دارند. مناسبات نظامی در محدوده حضور و پهلویگیری ناوگروه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در بنادر هند، سفر هیئت پارلمانی ایران به دهلی نو در دی‌ماه، اظهار نظر سلمان خورشید، وزیر خارجه هند در مورد احتمال پیوستن کشورش به خط لوله صلح (میان ایران - پاکستان) و تأمین گاز طبیعی مورد نیاز خود از طریق ایران و کشورهای آسیای مرکزی و دیدار شیوشانکر منون، مشاور امنیت ملی هند با وزیر امور خارجه ایران در حاشیه نشست امنیتی مونیخ، از جمله مناسبات دیپلماتیک میان دهلی نو و تهران در سال ۱۳۹۲ به شمار می‌روند. جز مسائل اقتصادی و تجاری، دو موضوع دیگر در روابط دهلی نو - تهران وجود دارد که پتانسیل نزدیک کردن هند و ایران به همدیگر را دارند. این دو عبارتند از ۱- مسئله شکننده بودن اوضاع سیاسی و امنیتی افغانستان و پاکستان به عنوان دو همسایه دهلی نو و تهران در منطقه آسیای جنوبی؛ و ۲- بحث ارتباط هند با کشورهای آسیای مرکزی - که در این میان، ایران هم ارزان‌ترین و امن‌ترین راه دستیابی دهلی نو به بازارهای این کشورهاست و هم مقرون به صرفه‌ترین و امن‌ترین مسیر انتقال منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به سمت جنوب آسیا. یکی از مسائل مهمی که میان هند و جمهوری اسلامی ایران فاصله می‌اندازد. روابط نزدیک این کشور با اسرائیل است. اسرائیل هم‌اکنون بعد از روسیه، دومین عرضه‌کننده سلاح به هند محسوب می‌شود. همچنین،

ارزش مبادلات تجاری میان هند و اسرائیل در سال ۲۰۱۳، ۵ میلیارد دلار بوده است که بنا بر پیش‌بینی‌ها، احتمالاً در پنج سال آینده به ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید. در مورد چشم‌انداز روابط هند و ایران در سال ۱۳۹۳ باید گفت که احتمالاً شاهد گسترش روابط میان دو کشور خواهیم بود، البته این موضوع بیش از آنکه تحت تأثیر روابط دوجانبه باشد، عمدتاً متأثر از اتفاقاتی است که در روابط تهران- واشینگتن رخ خواهد داد؛ منظور این است که روابط دهلی نو- تهران تا اندازه بسیار زیادی در سایه نوع رابطه واشینگتن- تهران و همچنین مناسبات واشینگتن- دهلی نو قرار دارد.

آفریقای جنوبی

یکی دیگر از قدرت‌های نوظهور در روابط بین‌الملل آفریقای جنوبی است که توانسته در برزخ آفریقا خود را به عنوان کشور قدرتمند در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی - به خصوص در عرصه اقتصادی- مطرح کند. تا قبل از اعمال تحریم‌های نفتی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران، آفریقای جنوبی یکی از مقصدهای مهم صادرات نفت ایران به شمار می‌رفت. بر اساس داده‌های موجود، در مارس ۲۰۱۲ (مصادف با ۲۰ روز آخر اسفند ۱۳۹۰ تا ۱۱ روز اول فروردین ۱۳۹۱)، ایران با تأمین ۳۲ درصد از نفت وارداتی آفریقای جنوبی، در این مورد بعد از نیجریه در رتبه دوم قرار داشت. در ژوئن ۲۰۱۲ و به دنبال فشارهای آمریکا، آفریقای جنوبی واردات نفت از ایران را تقریباً به طور کامل قطع کرد. در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۲، میزان واردات ایران از آفریقای جنوبی برابر با ۷.۳۹۲.۵۸۵ دلار و میزان صادرات غیرنفتی تهران به این کشور معادل ۲۹.۴۳۰.۸۴۷ دلار بوده است. دیدار معاون عربی و آفریقای وزارت خارجه کشورمان و معاون وزیر خارجه آفریقای جنوبی در تهران در فروردین ۹۲، حضور نکوآنا ماشابانه وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی در مراسم تحلیف دکتر روحانی، اعلام همبستگی وزیر خارجه آفریقای جنوبی با مردم فلسطین و ابراز تنفر از سیاست‌های متجاوزانه و تبعیض‌گرایانه اسرائیل علیه آنها، برگزاری یازدهمین کمیسیون مشترک همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و آفریقای جنوبی بعد از پنج سال وقفه در پرتو توریبا با حضور محمدجواد ظریف در آبان‌ماه، ملاقات وزیر امور خارجه کشورمان با رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آفریقای جنوبی در جریان این سفر، ابراز همدردی مقامات ارشد ایران با مردم و مقامات آفریقای جنوبی به مناسبت درگذشت نلسون ماندلا، قهرمان مبارزه با آپارتاید و حضور محمد شریعتمداری معاون اجرایی رئیس‌جمهور در مراسم یادبود و خاکسپاری وی، از موارد مرتبط با روابط ایران و آفریقای جنوبی در سال ۱۳۹۲ به شمار می‌روند. به طور کلی آنچه در روابط ژوهانسبورگ و تهران برای دو طرف اهمیت دارد، مسائل اقتصادی

است. از یک سو، آفریقای جنوبی به عنوان قدرت نوظهور نیاز به منابع انرژی دارد و ایران یکی از انبارهای انرژی جهان به شمار می‌رود و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران برای توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همچنین تکنولوژی و زیرساخت دارد که آفریقای جنوبی - با توجه به پیشرفت‌های خوبی که در چند دهه گذشته در این زمینه‌ها داشته - در این زمینه می‌تواند مد نظر قرار گیرد. دوری جغرافیایی و سایه سنگین واشینگتن بر مناسبات ژوئانسبورگ با تهران، دو مانع اصلی تقویت همکاری‌های ایران و آفریقای جنوبی به شمار می‌روند. با این وجود، با توجه به نگاه مثبت ایران و آفریقای جنوبی به همدیگر مخصوصاً بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم و همچنین، مواضع انتقادی شدید ژوئانسبورگ در برابر خشونت‌ها و تبعیض‌های اسرائیلی‌ها علیه فلسطینی‌ها، می‌توان انتظار بازگشت روابط دو کشور به مسیر تعادل را در سال ۱۳۹۳ داشت.

برزیل

برزیل یکی دیگر از قدرت‌های نوظهور در روابط بین‌الملل و شریک اول تجاری ایران در آمریکای لاتین به شمار می‌رود. روابط برازیلیا- تهران که در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا به سطح بالایی رسیده بود، با روی کار آمدن دولت دیلما روسف به سردی گرایید. در سال گذشته و در جریان سفر دکتر احمدی‌نژاد به برزیل، به منظور شرکت در اجلاس ریو ۲۰، برزیلی‌ها از رئیس‌جمهور ایران به سردی استقبال کردند و حتی عرف‌های دیپلماتیک را نیز در مورد هیئت ایرانی رعایت نکردند. اعتقاد بر این است که رئیس‌جمهور برزیل به دو دلیل در رابطه کشورش با تهران تجدید نظر نموده است: یکی به دلایلی که به بحث‌های حقوق بشری مربوط می‌شوند و دیگری به دلایلی که ریشه در نیازهای برزیل به آمریکا دارند (مثلاً برزیل برای دستیابی به عضویت دایم در شورای امنیت و گسترش نفوذ خود در نهادهای مالی بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول به حمایت آمریکا نیاز دارد). حجم مبادلات تجاری میان ایران و برزیل در سال ۱۳۹۰، حدود یک میلیارد دلار بود که این میزان در نه ماهه اول سال ۱۳۹۲ به کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار رسیده است (ارزش صادرات ایران به برزیل: ۴۰۹۵۳.۵۹۴ دلار و ارزش واردات از برزیل: ۱۹۳.۶۱۴.۲۹۷ دلار). به هر حال، آنتونیو پاتریوتا وزیر خارجه برزیل در مردادماه ۱۳۹۲ به منظور شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دکتر روحانی به تهران آمد. وی در جریان این سفر، دیداری نیز با دکتر صالحی وزیر خارجه وقت ایران داشت که دو طرف در مورد همکاری‌های دوجانبه به خصوص در زمینه‌های اقتصادی بحث و تبادل نظر کردند. با این وجود، در شرایط کنونی که کاهش سطح تنش‌ها با غرب، خارج‌نمودن پرونده هسته‌ای از حالت امنیتی، پیگیری بحران سوریه و رفع اختلافات و

سوء تفاهات با همسایگان در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند، به نظر نمی‌رسد دولت جدید ایران برنامه مشخصی برای گسترش روابط با آمریکای لاتین داشته باشد. آمریکای لاتین در اولویت سیاست خارجی دولت دکتر روحانی نیست و احتمالاً در سال‌های آینده نیز نخواهد بود.

برآورد مقایسه‌ای

مروری بر اتفاقات سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ نشان از تحول اساسی در شکل و نوع این روابط در سال ۱۳۹۲ دارد. این تحول بیش از هر چیزی محصول گشایشی است که در اثر ابتکارات دولت جدید ایران در بحث هسته‌ای ایجاد شده است. دولت یازدهم با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، همچون روحی در کالبد منجمد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دمید. تحرکات سیاست خارجی دولت جدید، تهران را در کانون توجه بسیاری از کشورهای که در سال‌های گذشته تمایلی به ایجاد ارتباط با ایران نداشتند، قرار داده است. در مدت چندماهه‌ای که از عمر دولت یازدهم می‌گذرد، اروپایی‌ها بیشترین سهم را در مناسبات دیپلماتیک تهران داشته‌اند؛ به گونه‌ای که به طور منظم و با فاصله‌های زمانی کوتاه، هیئت‌های ایرانی و اروپایی با یکدیگر دیدار می‌کنند و هر روز یخ روابط میان تهران و پایتخت‌های اروپایی بیشتر ذوب می‌شود. اتحادیه اروپا نه تنها دیگر تمایلی به تداوم فشارها و تحریم‌ها علیه ایران از خود نشان نمی‌دهد، بلکه هر روز به برقراری مناسبات مختلف مخصوصاً در زمینه‌های اقتصادی و تجاری با تهران اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد. به دنبال موافقت‌هایی که در مورد شیوه اجرای توافق ۶ ماهه ژنو میان ایران و ۵+۱ صورت گرفت، این اتحادیه برخی از تحریم‌ها علیه کشورمان را لغو نمود که انتظار می‌رود این روند ادامه داشته باشد. رابطه میان ایران و اتحادیه اروپا در سال ۱۳۹۲ متفاوت‌تر و مطمئناً سودمندتر از سال قبل برای هر دو طرف بوده است. در مورد مقایسه روابط ایران و روسیه نیز باید گفت که با گسترش روابط دیپلماتیک میان این دو کشور در سال ۱۳۹۲ و اتخاذ موضعی تقریباً مشابه از سوی تهران و مسکو در مورد مسئله سوریه، پویایی نسبتاً خوبی (نسبت به قبل) در روابط دو کشور به چشم می‌خورد. روابط ایران و چین نیز تقریباً به همین شکل بوده است. در مورد روابط ایران و قدرت‌های نوظهور (هند، برزیل و آفریقای جنوبی) نیز باید گفت که هرچند هنوز تحول ملموسی در رابطه تهران با دهلی نو، برازیلیا و ژوهانسبورگ اتفاق نیفتاده، اما روند مناسبات دیپلماتیک امیدوارکننده بوده است. به طور کلی، روابط ایران و همه قدرت‌هایی که در این برآورد مورد بررسی قرار گرفتند، تا اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر دو عامل مناقشه هسته‌ای و سایه آمریکا قرار دارند.

دهلی نو یکی از چهار خریدار عمده نفت و ۱۰ شریک برتر تجاری کشورمان به شمار می‌رود. با افزایش تحریم‌ها علیه ایران در دو سال اخیر، دهلی نو واردات نفت هند از ایران را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است

چشم‌انداز ۱۳۹۳

با توجه به وضعیت موجود، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۳ نیز همانند سال‌های گذشته، مناقشه هسته‌ای در کانون روابط ایران و قدرت‌های بزرگ قرار داشته باشد. البته، سرنوشت این مناقشه عمدتاً به اراده‌ی واشینگتن و تهران وابسته است. اگر این دو به راه حل دائمی برای پایان دادن به این بحران غیرضروری برسند، مشکل حل خواهد شد. قدرت‌های بزرگ (روسیه، چین، فرانسه، آلمان و بریتانیا) نیز هرچند در این راستا دارای توانایی تأثیرگذاری هستند، اما ماهیت قضیه، شرایط موجود و منافع آنها ایجاب نمی‌کند بخواهند در این مسیر مشکلی ایجاد کنند. بنابراین، باید انتظار داشت که قدرت‌های بزرگ در مذاکرات آتی هسته‌ای هماهنگ با روندی که تهران و واشینگتن اتخاذ می‌کنند، حرکت نمایند. روسیه و چین نه دلیلی برای حرکت کردن برخلاف جهت مورد توافق ایران و آمریکا دارند و نه منافع‌شان چنین چیزی را می‌طلبد، به خصوص که ستون‌های سیاست خارجی این دو کشور کاملاً بر ایده‌های عمل‌گرایانه استوار است. اروپایی‌ها نیز مانند همیشه هماهنگ با واشینگتن حرکت خواهند کرد و در این زمینه توانایی جهت‌گیری مستقلانه را نخواهند داشت. بحران سوریه مسئله دیگری است که در سال ۱۳۹۳ همانند دو سال قبل در روابط تهران و قدرت‌های بزرگ نقش آفرین خواهد بود. با توجه به وضعیت موجود و بن‌بستی که در ژنو ۲ میان مخالفان و موافقان اسد به وجود آمده است، انتظار می‌رود در ماه‌های آتی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران در بحران سوریه، به روند مذاکراتی که هم‌اکنون میان طرفین این بحران وجود دارد، دعوت شود. در چنین شرایطی، به نفع ما خواهد بود که با حفظ برخی مواضع، این دعوت را بپذیریم. در غیر این صورت، ممکن است دیگران در مورد منافع ما در سوریه تصمیم بگیرند. روس‌ها و چینی‌ها نماینده ما در مذاکرات سوریه نیستند. آنها نماینده منافع ملی خودشان هستند. این دو کشور که مواضع نزدیکی با ما در بحران سوریه دارند، توافق صورت گرفته در ژنو ۱ مبنی بر ضرورت تشکیل دولت انتقالی را پذیرفته‌اند و بر اساس آن هم‌اکنون در حال چانه‌زنی برای برآوردن منافع ملی خویش هستند. به هر حال، با توجه به روند کنونی می‌توان امید به افزایش رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان تهران و پایتخت‌های قدرت‌های بزرگ در سال ۱۳۹۳ داشت؛ چیزی که می‌تواند در راستای خارج‌نمودن کشورمان از انزوای بین‌المللی چند سال گذشته بسیار کارساز باشد. باید به گشوده‌شدن گره‌های همکاری‌های اقتصادی میان ایران و قدرت‌های بزرگ و نوظهور نیز امیدوار بود؛ چیزی که اقتصاد بحرانی کشورمان در حال حاضر بسیار به آن نیاز دارد.